

ارائه مدلی جهت ارتقا و توسعه خصوصی سازی در ایران

نادرقلی قورچیان*

غلامرضا حیدری کرد زنگنه**

پژوهش حاضر در صدد ارائه مدلی برای ارتقا و توسعه علمی نظام خصوصی سازی در کشور است. در راستای تحقق این هدف ادبیات سازمان یافته پژوهش و نظرات صاحب نظران و کارشناسان کشور مرور می شود و سپس تجارب پژوهشگران در ده بعد (۱. جهانی ۲. سیاسی ۳. قانونی و حقوقی ۴. نهادی و سازمانی ۵. برنامه گذاری ۶. اقتصادی ۷. مدیریتی و اجرایی

*. دکتر نادرقلی قورچیان؛ عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد- واحد علوم و تحقیقات.

E.mail: naghourchian@yahoo.com

** دکتر غلامرضا حیدری کرد زنگنه؛ معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی و رئیس هیأت عامل سازمان خصوصی سازی.

E. mail: heidari@ipo.ir

۸. اجتماعی و فرهنگی ۹. مجازی و ۱۰. روش خصوصی سازی) و ۱۹۰ مؤلفه، با استفاده از تکنیک مدل سازی پویا و انگاره نگاری، استخراج و بهره‌وری می‌شود و در مرحله بعد در قالب مدل ارائه گردید و با مجذور X^2 و ضریب تبیین پدیده‌ها: $PD=0.9234$ و $RMSR$ (ریشه میانگین مجذور مانده‌ها) که نشان دهنده مطلوب بودن مدل و تناسب کل مدل پیشنهادی با میانگین کل ۴/۱۲ از ۵ می‌باشد، مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

طبقه بندی JEL: H60

کلید واژه‌ها:

ایران، مؤلفه‌های خصوصی سازی، خصوصی سازی، طراحی مدل، مدل پیشنهادی

مقدمه

دوران جهان گستر خصوصی‌سازی در دهه های اخیر شکل گرفته و آن را جنبشی کاملاً بدیع در حوزه سیاست اقتصادی نموده است. نظریه جدید خصوصی‌سازی به عنوان سیاست اقتصادی، برای اولین بار توسط جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۵۷ بکار گرفته شد. در آن زمان دولت بخش عمده سهام فولکس واگن را به سرمایه‌گذاران خصوصی فروخت. حرکت بزرگ بعدی در خصوصی‌سازی در دهه ۱۹۸۰؛ یعنی خصوصی‌سازی تلکام توسط مارگارت تاجر و خصوصی کردن بانک های بزرگ کشور فرانسه توسط شیراک بود. با گسترش خصوصی‌سازی به کشورهای دیگر، ژاپن و مکزیک، شرکتهای مخابراتی دولتی را خصوصی کردند.^۱ سهم عمده دیگر در فرآیند خصوصی‌سازی جهان گستر، فروپاشی رژیم کمونیست در اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق بود. اخیراً کشورهایمانند چین و کوبا و نیز بسیاری از دیگر کشورهای در حال توسعه با هدف تحریک رشد اقتصادی، استقرار خصوصی‌سازی را آغاز نموده‌اند و در مدت ده ساله بین ۱۹۸۴ و ۱۹۹۴ در جهان، انتقال سرمایه ای معادل ۴۶۸ میلیارد دلار از بخش دولتی به بخش خصوصی صورت گرفته است.^۲ در حال حاضر، فروش بنگاه های اقتصادی تحت مالکیت دولت به بخش خصوصی و بازارهای رقابتی جوهره «سیاست عمومی جهان» بشمار می‌رود. تاکنون بیش از ۱۶۰ کشور صنایع خود را خصوصی نموده‌اند.^۳

خصوصی‌سازی در مفهوم گسترده آن به شیوه‌های کاهش نقش دولت و واگذاری آن به بخش خصوصی و پیروی از منطق بازار در تمام تصمیمات اقتصادی اطلاق می‌شود. از این نقطه نظر، فاصله از سیاست حفظ برخی از فعالیتهای مشخص در دست دولت برای توسعه بیشتر توسط بخش دولتی (انحصار زدایی)، به کاهش جایگاه نسبی بخش دولتی و واگذاری

^۱ مگینسون، نش و راندنیورگ، ۱۹۹۶.

^۲ Robert W. Poole, *Privatization for Economic Development*, The Privatization Process. Ed. Terry L. Anderson and Peter J. Hill. United States of America: Rowman & Littlefield Publishers, Inc., 1996.

- Adnan Filipovic, "Impact of Privatization on Economic Growth", *Issues in Political Economy*, Vol. 14, (August 2005).

^۳ بانک جهانی، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۰۳.

نقش بیشتر به بخش خصوصی اشاره دارد. ورود بنگاههای جدید بخش خصوصی می‌تواند در وضعیتی که بخش دولتی از انحصار برخوردار بوده است، رقابت را برانگیزد. بنگاههای دولتی موجود مجبور خواهند شد حالت تجاری بگیرند و به ضوابط و نیروهای بازار واکنش نشان دهند. فرآیند انحصار زدایی گاهی در چارچوب امر خصوصی‌سازی به عنوان فعالیتی موازی و مکمل توصیف شده است. علاوه بر این، خصوصی‌سازی نیز هنگامی نمود پیدا می‌کند که دولت‌ها تصمیم به کاهش تعهدات خود در زمینه تنظیم و هدایت رفتار بازیگران خصوصی در اقتصاد بگیرند. هدف از پیگیری سیاستهای حذف مقررات زاید این است که سیستم تنظیمی محدود کننده اهمیت کمتری بیابد.

در کشور ایران حجم بالای دولت در اقتصاد، حضور شرکتهای دولتی در فعالیتهای غیر ضروری اقتصادی، رقابت پذیری پایین اقتصاد در سطح ملی و بین المللی، عدم توسعه بخش خصوصی فعال در حوزه های سرمایه‌گذاری، ضعف بازار سرمایه برای توسعه بخش خصوصی، عدم توزیع مناسب منابع و فرصتها بین بخش دولتی و غیر دولتی، بعد از پایان جنگ تحمیلی و اجرای اولین برنامه پنج ساله توسعه؛ خصوصی‌سازی عملاً از سال ۱۳۶۸ بطور جدی مطرح شد و دولت در صدد واگذاری بخشی از فعالیتهای اقتصادی شرکتهای دولتی به بخشهای غیردولتی بر آمد. اما خصوصی‌سازی به صورت سازماندهی شده و بر اساس قوانین و مقررات مشخص و شفاف با محوریت متمرکز سازمان خصوصی‌سازی به عنوان سازمان اجرایی مورد نظر عملاً از سال ۱۳۸۰ با اجرایی شدن فصل سوم قانون برنامه سوم توسعه آغاز شد و در قانون برنامه چهارم توسعه نیز به عنوان مکملی مناسب برای قانون مذکور دنبال شد. با ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری و اجرایی شدن طرح توزیع سهام عدالت، خصوصی‌سازی شکل نوین و گسترده ای به خود گرفت.

بانک جهانی ضمن حمایت خود از خصوصی‌سازی بر این نکته تأکید کرده است که خصوصی‌سازی، هنگامی که به درستی درک و اجرا شود به کارایی می‌انجامد، سرمایه‌گذاری را

تشویق می‌کند و بنابراین رشد و شغل‌های جدید و منابع دولتی را برای سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و برنامه‌های اجتماعی آزاد می‌سازد.^۱

تحقق اهدافی که در خصوصی‌سازی مورد توجه است به چگونگی اجرا و مدیریت علمی و حرفه‌ای آن بستگی دارد. لذا تدوین الگویی که بتواند مسئولان و دست‌اندرکاران این حوزه را هدایت کند از اهمیت زیادی برخوردار است.

در این پژوهش، پژوهشگران در صدد پیشنهاد مدلی برای ارتقا و توسعه بخش خصوصی‌سازی با توجه به تجارب بین‌المللی و ادبیات سازمان یافته و تجارب بومی آن بوده‌اند و درجه تناسب مدل پیشنهادی را با عنایت به نظر صاحب‌نظران، کارشناسان و متخصصان خصوصی در کشور بدست آورده‌اند.

در راستای تحقق اهداف فوق، پژوهشگران به تجزیه و تحلیل چهار پرسش اساسی در این پژوهش پرداخته‌اند:

۱. مؤلفه‌های اصلی خصوصی‌سازی در کشور کدامند؟
۲. وضعیت موجود خصوصی‌سازی در کشور با عنایت به این مؤلفه‌ها چگونه است؟
۳. چه مدلی را می‌توان برای ارتقا و توسعه بخش خصوصی‌سازی کشور ارائه داد؟
۴. میزان تناسب مدل پیشنهادی از نظر صاحب‌نظران چه اندازه است؟

برای پاسخ به سئوالات و تحقق اهداف این پژوهش، از روشهای کتابخانه‌ای و میدانی در کنار هم استفاده شده است. در روش کتابخانه‌ای از شیوه بررسی اسناد و مدارک و از مجموعه روشهای میدانی نیز از پرسشنامه استفاده شده است. برای استخراج مؤلفه‌های خصوصی‌سازی، از روش کتابخانه‌ای و از طریق مراجعه به اسناد و آثار چاپی و الکترونیکی مربوط به ادبیات و پیشینه پژوهش در ایران و جهان استفاده شد. سپس برای تعیین مؤلفه‌ها و تدوین مدل نهایی، دو پرسشنامه اجرا شد.

۱. پرسشنامه اول متشکل از ده بخش مشتمل بر ۱۷۳ گویه در دو بخش وضعیت مطلوب و میزان توجه و کاربست آن در وضع موجود بود.

¹. VanDusky, Julie Ann. *Competing Theories? Re-thinking the Use of Proxy Variables in the Privatization Literature*, State University of New York, Binghamton University Political Science Department., 2005.

۲. پرسشنامه دوم، تعیین تناسب مدل پیشنهادی حاصل از اجرای پرسشنامه اول در پنج بخش؛ شامل فلسفه و اهداف مدل، مبانی نظری، چارچوب ادراکی، مراحل اجرایی، و نیز ارزشیابی و مهندسی مجدد تدوین شد.

جامعه آماری این تحقیق را صاحب نظران تشکیل داده اند. با توجه به نوع جامعه آماری و ضرورت داشتن سابقه ایشان در زمینه تدریس، تحقیق و اجرا، حجم جامعه محدود بوده و جمعیتی حدود ۷۰ نفر را شامل می شود. با توجه به محدود بودن حجم جامعه آماری و ضرورت پرسش از خبرگان، از روش نمونه گیری غیر تصادفی استفاده شد و تمامی افراد دارای مشخصات فوق، شناسایی شده و پرسشنامه برای همه آنها ارسال گردید. از این تعداد ۳۸ پرسشنامه برگشت داده شد که با توجه به مخدوش بودن سه پرسشنامه، ۳۵ پرسشنامه برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

برای تجزیه و تحلیل داده های حاصل از این پژوهش از دو دسته روش های آمار توصیفی؛ نظیر فراوانی، میانگین و درصد و از روش های آمار استنباطی نظیر آزمون مجذور کای استفاده شده است.

برای تأیید مؤلفه های خصوصی سازی از روش های آماری تجزیه و تحلیل علی (گاما) و برای طراحی مدل اولیه (چارچوب ادراکی) از روش انگاره نگاری (نرم افزار CONCEPT SYSTEM) بهره برداری شده است. مراحل اجرای انگاره نگاری در این پژوهش عبارتند از:

۱. کد بندی مستند داده های حاصل از پرسشنامه مؤلفه ها
۲. رتبه بندی شاخصها
۳. دسته بندی شاخصها در قالب معیارها
۴. انجام تجزیه و تحلیل آماری چند متغیره و محاسبه نرخ تنیدگی
۵. ترسیم انگاره نقطه ای
۶. ترسیم انگاره خوشه ای
۷. ترسیم انگاره نقطه ای رتبه ای
۸. ترسیم انگاره خوشه ای رتبه ای
۹. تفسیر نتایج به دست آمده

میزان تناسب مدل پیشنهادی نیز از طریق محاسبه ماکزیمم حداکثر تأثیرگذاری یک عامل بر عامل دیگر (MPL) و ریشه میانگین مجذور باقی مانده ها (RMSR) تعیین شده است. سپس برای مدل سازی از روش مدل سازی پویا^۱ استفاده شده است. نرم افزارهای مورد استفاده جهت تحلیل داده های این پژوهش عبارتند از: STELLA , Concept system , SPSS

سابقه پژوهش و مبانی نظری

در این بخش، پژوهشهای انجام شده در ایران، جهان و سپس مبانی نظری آورده می شود.

خسرو عربی (۱۳۷۶) در رساله دکتری خود با عنوان بررسی اثر نوع صنعت بر عملکرد پس از واگذاری شرکتهای تولیدی دولتی در بورس تهران، فرضیه های زیر را مورد بررسی قرار داده است:

فرضیه اول : واگذاری شرکتهای تولیدی دولتی موجب بهبود عملکرد آنها می شود.
فرضیه دوم : واگذاری سهام به صورت عمده (بیش از ۰.۵٪) در صنایع شیمیایی و دارویی موجب بهبود عملکرد شرکتهای در این صنعت می شود.

در فرضیه سوم : واگذاری سهام به صورت عمده (بیش از ۰.۵٪) در صنایع غذایی موجب بهبود عملکرد شرکتهای در این صنعت می شود.

فرضیه چهارم : واگذاری سهام به صورت عمده (بیش از ۰.۵٪) در صنایع نساجی موجب بهبود عملکرد شرکتهای در این صنعت می شود.

فرضیه پنجم : واگذاری سهام به صورت عمده (بیش از ۰.۵٪) در صنایع کانی غیر فلزی موجب بهبود عملکرد شرکتهای در این صنعت می شود.

فرضیه ششم : واگذاری سهام به صورت عمده (بیش از ۰.۵٪) در صنایع کاغذ و بسته بندی موجب بهبود عملکرد شرکتهای در این صنعت می شود.

^۱. Dynamic Modeling

لازم به ذکر است جامعه آماری این پژوهش ۱۵۰ شرکت از ۲۷۰ شرکت پذیرفته شده در بورس بوده است.

نتایج پژوهش نشان داد فرضیه‌های اول، سوم، چهارم، پنجم و ششم تأیید و فرضیه دوم رد شده است.

حیدری (۱۳۷۵) در رساله دکترای مدیریت استراتژیک، طرح تحقیقی با عنوان «مدل خصوصی‌سازی» برای کشور را از طریق مرور ادبیات و استفاده از نظرات خبرگان و صاحب‌نظران انجام داده است که نتیجه آن در قالب کلی زیر ارائه شده است.

برای بررسی مدل، از روش تطبیقی با آنچه که در ارتباط با خصوصی‌سازی در کشورهای دیگر و نیز در ایران تاکنون انجام پذیرفته، استفاده شده است و مهمتر آنکه در یک کار میدانی دقیق با استفاده از تکنیک‌های آماری و نظرسنجی از یک مجموعه آماری خبره در ایران، تمامی اجزای مدل مورد آزمون قرار گرفته و با درصد بسیار بالایی تأیید گردیده است.

۹۰/۶ درصد پاسخ دهندگان تأیید کردند که در یک طرح جامع اقتصادی با رعایت حاکمیت دولت و با فراهم بودن شرایط لازم- مانند ایجاد کنترل و مشارکت مردمی، کنترل دولت و مجلس، و بهبود ارتقای سیستم مدیریت- مشارکت بخش خصوصی می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری گردد.

محمدعلی حقیقی در رساله دکتری با عنوان بررسی و طراحی الگوی ساختاری مناسب برای خصوصی‌سازی در بخش دولتی (سازمان بنادر و کشتیرانی) در سال ۱۳۷۵، بررسی وضعیت موجود ساختار تشکیلاتی از نظر نوع ترکیب واحدها، وضعیت نیروی انسانی در واحد مورد نظر، شناسایی اهداف خصوصی‌سازی و در نتیجه طراحی ساختار تشکیلاتی با توجه به روند خصوصی‌سازی را دنبال کرده است. فرضیه‌های پژوهش وی به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه مهم: تغییر در ساختار تشکیلاتی (اندازه و ترکیب واحدها) سازمان بنادر و کشتیرانی، موجب موفقیت و کارایی سازمان با توجه به الگوی بکارگیری خصوصی‌سازی در بنادر می‌شود.

سایر فرضیه ها:

- کوچک شدن واحدهای عملیاتی موجب بالا رفتن کارایی سازمان در بکارگیری خصوصی سازی می شود.
 - مقررات زدایی تسهیل کننده، اثر بخشی سازمان در زمینه بکارگیری خصوصی سازی را موجب می شود.
- یافته های پژوهش نشان می دهد اقدامات و بررسیهای لازم قبل از واگذاری به شرح زیر است:

- بررسی قوانین محلی و کشوری
- بررسی نحوه برخورد ارگان های قضایی و حقوقی با عمل واگذاری
- تبیین موضوع به مردم
- مشخص نمودن محورهای واگذاری و تعیین اهداف و زمان بندی تحقق آنها
- تبیین و بررسی سیاستهای اشتغال در جریان اجرای طرح
- بررسی و ارزیابی مشکلات ناشی از سازماندهی و مدیریت؛ پژوهشگر در پایان، استراتژی توسعه و مدیریت بندر را (برنامه ریزی بندر و الگوهای استفاده از ساختار اقماری) پیشنهاد کرده است.

معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۴) در پژوهشی با هدف دستیابی به مدل و معیارهایی مناسب جهت تفکیک فعالیتهای اقتصادی بین بخشهای دولتی و خصوصی، به منظور تعیین سهم بهینه هر کدام از این بخشها، پس از تجزیه و تحلیل دیدگاههای موجود در خصوص موضوع، در قالب سه محوره عمده (دیدگاه عدم دخالت دولت، دیدگاه دخالت کامل دولت، دیدگاه ضرورت اجماع و توافق میان بخشهای دولتی و خصوصی)، نسبت به یافتن معیارهایی مناسب برای تعیین حد مطلوب فعالیتهای اقتصادی دولت، با هدف ارائه مدلی مناسب در این خصوص، اقدام نموده است.

یافته‌های پژوهش

دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی کشور امر اجتناب ناپذیر است، ولی باید حد مطلوب آن شناخته شود. اساساً هر گونه انتقال فعالیت از بخش دولتی به بخش خصوصی باید بطور مجزا مورد ارزیابی قرار گیرد و چنانچه در نهایت به افزایش بهره‌وری در قالب ایجاد رقابت منجر شود، باید انتقال صورت پذیرد. انتقال نیز می‌تواند به شیوه‌های مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. چنانچه حجم فعالیتهای اقتصادی دولت را به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کنیم، در مورد بخش مستقیم آن تفاضل بین هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی و نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص اندازه دولت می‌تواند تلقی گردد. همچنین در بخش غیرمستقیم، فعالیتهای اقتصادی دولت بر بقیه اقتصاد مدنظر است.

پژوهشهای انجام شده در جهان:

«رنست اورلیک ون ویزسکر»^۱، «اوران یانگ»^۲، «ماتیس فینگر»^۳، و «ماریان بیشیم»^۴ (۲۰۰۵) پژوهشی را با هدف تلاش برای برقراری توازن بین بخشهای خصوصی و دولتی و تعیین سهم بهینه هر کدام از آنها در اقتصاد انجام دادند. به زعم آنها در طول تاریخ بحثهای مربوط به خصوصی‌سازی غالباً بین دو قطب مخالف بی‌نهایت دولتی و بی‌نهایت خصوصی در نوسان بوده است. هر دو دیدگاه با این ایده موافق هستند که کلید تضمین عملکرد خدمات به نفع عموم نظارت و مقررات کارا است. مسائل ناشی از عدم نظارت یا نظارت ضعیف بر مالکیت خصوصی، بسیاری را به این نتیجه رسانده که تنها در صورتی مالکیت خصوصی مفید خواهد بود که چارچوب نظارتی قدرتمندی برای تضمین توجه شرکتها به نیازهای مشتریان و حمایت گسترده تر از اهداف سیاستگذاری عمومی مانند حمایت از محیط‌زیست و فرصتهای برابر وجود داشته باشد. این پژوهشگران بر «خصوصی‌سازی - اما با نظارت قوی» تأکید داشته‌اند و

¹. Ernest Ulrich von Weizsacker

². Oran R. Young

³. Matthias Finger

⁴. Marianne Beisheim

تلاش کرده‌اند تا محدوده خدمات دولت و بخش خصوصی را مشخص نموده و در خصوص پیش نیازهایی برای انجام خصوصی‌سازی اظهار نظر نمایند. پرسشهایی که در این پژوهش دنبال شده است عبارتند از:

۱. کدام خدمات شامل بهداشت، آموزش، سیستم‌های رفاهی و زیرساخت‌ها را می‌توان با خیالی آسوده به بخش خصوصی واگذار کرد؟
۲. آیا دلایل موجهی برای تداوم حمایت قابل توجه از منابع طبیعی و کانی جامعه توسط دولت وجود دارد؟
۳. تحت چه شرایطی برای دولت بهتر است تا خود رأساً مالکیت و مدیریت ابزارهای تولید را در دست بگیرد؟
۴. مدیریت چه بخش‌هایی توسط بخش خصوصی صورت می‌پذیرد و چه قوانین و نظارت‌هایی باید بر آنها حاکم باشد؟

این پژوهش به تشریح و توصیف خصوصی‌سازی در گستره‌ای از بخشها مانند: آب، فلزات و سیمان، انرژی، حمل و نقل، مخابرات و خدمات پستی، بیمه و غیر پرداخته و جامعه آماری آن را اطلاعات و آمار موجود در برخی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، از جمله: آمریکا، آلمان، ایتالیا، انگلیس، رومانی، هند، سریلانکا و غیره تشکیل داده است.

این پژوهش با توجه به گستره و جامعه آماری بسیار گسترده‌ای که مورد بررسی قرار داده است، موفق شده تا بدون قضاوت درباره خوب یا بد بودن خصوصی‌سازی، برخی از نکات مثبت و منفی این امر را دریابد و با دلیل و برهان مشخص کند که خصوصی‌سازی در چه زمینه‌هایی، با چه وسعتی و در چه مقطعی باید انجام پذیرد؛ به گونه‌ای که شعار «از افراط و تفریط بر حذر باشد» را به اثبات رسانیده است.

تجزیه و تحلیل بانک جهانی از خصوصی‌سازی در اروپای شرقی نشان می‌دهد که شیوه استقرار خصوصی‌سازی اهمیت بسزایی در انجام این کار و موفقیت‌های بعدی در اروپای شرقی داشته‌است.^۱

^۱ بانک جهانی، ۲۰۰۲.

ولش و فرموند^۱ (۲۰۰۰) در پژوهش خود با عنوان معرفی یک مدل، جهت انجام خصوصی سازی، با هدف بهینه بودن فرآیند انجام آن اظهار داشته اند که خصوصی سازی مرحله به مرحله، بشدت مورد علاقه تمام متخصصان خصوصی سازی است و از آنجائیکه مناسبترین روش برای واگذاری شرکتهای متوسط و بزرگ می باشد، اساس کار همه برنامه های خصوصی سازی در سراسر جهان قرار گرفته است. از این روش در کشورهای صنعتی و آمریکای لاتین به میزان زیاد، و در آفریقا و آسیا به میزان کمتری استفاده شده است. همچنین آن دسته از اقتصادهای در حال گذار که اخیراً خصوصی سازی گسترده به مفهوم واگذاری کوپن سهام به عموم مردم را به اجرا در آورده اند، در حال آغاز واگذاری شرکتهای بزرگ و متوسط خود می باشند که در این راه به درک صحیح، طراحی درست و راه اندازی فوری برنامه خصوصی سازی مرحله به مرحله نیاز دارند.

پرسش هایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند عبارتند از:

۱. آیا خصوصی سازی مرحله به مرحله شرکتهای دولتی بزرگ برای اصلاح نظام اقتصادی ضروری است؟
۲. آیا خصوصی سازی مرحله به مرحله و بر حسب کاهش ریسک اقتصادی و مالی ایجاد شده توسط شرکتهای واگذار شده انجام می گیرد؟
۳. آیا خصوصی سازی مرحله به مرحله موجب ایجاد منابع مالی قابل توجهی برای دولت می شود؟

جامعه آماری پژوهش را اطلاعات موجود و تجربیات کشورهای انگلستان، آرژانتین، چکسلواکی، فرانسه و مراکش، تشکیل داده است.

محققین پس از اثبات ضرورت انجام خصوصی سازی به شیوه مرحله به مرحله با تکیه بر تجربه جهانی، راهنمای مفیدی را در قالب یک مدل برای مسئولان دولتی مرتبط با مدیریت برنامه خصوصی سازی مرحله به مرحله ارائه داده اند.

^۱. Dick Welch and Oliver Fremond, (2000).

به‌زعم «بورتولوتی، فانتینی، سینیسکالکو، و ویتالینی»^۱ (۱۹۹۸) در یک مطالعه مشتمل بر ۴۹ کشور از سالهای ۱۹۷۷-۱۹۹۶ فرآیند خصوصی‌سازی متضمن تمام نهادهای قانونی و بازارهای سرمایه پیشرفته است. نتایج تحقیق «مورس»^۲ (۱۹۹۹) با نتایج پژوهش بورتولوتی و همکارانش همسو است. وی در مطالعه رشد و نهادها در ۲۵ کشور اروپای شرقی و مرکزی از سال ۱۹۹۵-۱۹۹۰ دریافت که نهادهای مناسب حقوق مالکیت را تضمین می‌کنند و هزینه‌های معامله را نیز کاهش می‌دهند. نهادها زمینه را برای خصوصی‌سازی نیز فراهم می‌کنند. کشورها در عرف و قانون مدنی، الزامات نهادی متفاوتی دارند که فعالیت اقتصادی را تعریف می‌کند و داراییهای دولت را نیز تنظیم می‌نماید؛ دوم اینکه، حمایت قانونی از فعالیتهای اقتصادی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و در نتیجه سرعت توسعه بازار مالی نیز تفاوت دارد. در واقع خصوصی‌سازی به نوعی، به معنای حمایت از سرمایه‌گذاران بوده و نیاز به بازارهای سرمایه، و تمرکز مالکیت دارد. ارتباط بین نهادهای قانونی و فعالیت اقتصادی در تحقیق «لاپورتا، لویز دو سیلانز، اشلیفر، و ویشنی»^۳ تأیید شده است.

«شیرلی و والش»^۴ اظهار داشتند که طی دوره ۱۹۹۹-۱۹۷۱، ۳۲ مطالعه از ۵۲ مطالعه، عملکرد برتر و ممتاز شرکتهای خصوصی یا خصوصی‌سازی شده را نشان داده، پانزده مطالعه هیچگونه رابطه قابل توجهی را بین ساختار مالکیت و عملکرد نشان نداده و طبق نتایج نیز پنج مطالعه، عملکرد شرکتهای تحت مالکیت دولت، عمدتاً بهتر از شرکتهای خصوصی است.

مبانی نظری پژوهش

چارچوبهای تحلیل عوامل مؤثر بر فرآیند خصوصی‌سازی

نظریه‌های متعددی برای شرح دلایل موفقیت و شکست برنامه‌های خصوصی‌سازی ارائه شده است که از این میان می‌توان به چارچوب مانزتی^۵ و

^۱. Bortolotti, Fantini, Siniscalco, and Vitalini, (1998).

^۲. Moers, (1999).

^۳. La Porta, Lopez de Silanes, Shleifer and Vishny, (1996, 1997, 1998).

^۴. Sherli & Valesh, (2000).

^۵. Manzetti, (1993).

«ماست و استار»^۱ (مبتنی بر چارچوب مانزتی) اشاره کرد. در چارچوبهای ارائه شده توسط نظریه پردازان مذکور، برای تحقق خصوصی سازی فرصت و تمایل عوامل سیاسی به عنوان دو نیروی علی تأثیر گذار بر تصمیم گیری بازیگران سیاسی در نظر گرفته شده اند. ماست و استار توانایی را مجموعه ای از گزینه های موجود در محیط فراروی و نیز توانایی بازیگران برای انتخاب گزینه ای از میان مجموعه ای از گزینه ها تعریف کرده اند. ماست و استار همچنین مانزتی تنها بر توانایی و تمایل بازیگران سیاسی به عنوان عوامل مهم در تعیین موفقیت و شکست خصوصی سازی تأکید کرده اند. «ون دوسکی»^۲ در دانشکده علوم سیاسی دانشگاه نیویورک این چارچوب را توسعه داد. به زعم وی، شرط ضروری برای تحقق خصوصی سازی، تمایل و توانایی (معادل فرصت) نه تنها بازیگران سیاسی؛ بلکه بازیگران اقتصادی است. تمایل بازیگران سیاسی برای خصوصی سازی و همچنین توانایی آنان برای این امر و نیز تمایل بازیگران اقتصادی برای خصوصی سازی و توانایی آنها در این ماجرا). خلاصه اینکه، برای تحقق خصوصی سازی، مدیران باید مشتاق اصلاحات باشند و آنها تنها در صورتی مشتاق اصلاحات خواهند بود که در کسب رضایت رؤسای خود و بقای آنها در قدرت کمک کنند.

در مورد توانایی بازیگران سیاسی می توان گفت که حتی اگر مدیران دولتی بخواهند بنگاههای تحت مالکیت دولت را بفروشند و مالیاتها را افزایش دهند، شاید قادر به این کار نباشند. شاید برخی سازمانها فرآیند را دشوارتر کنند. در واقع داستان این است که محدودیتهای سازمانی برای خصوصی سازی، اغلب دشوارتر از محدودیتهای اقتصادی است. یکی از موانع عملی، بخش قابل توجهی از فرآیند سیاستگذاری را تحت کنترل خود قرار می دهد و بنابراین سرمایه گذاران می توانند از ثبات سیاست و خط مشی مطمئن باشند. عامل نهایی دیگری که سرمایه گذاران آن را مورد محاسبه قرار می دهند سطح وصول مالیات است. اگر مالیات کسب و کارها بالا باشد، سرمایه گذاران سودآوری کمتری را تشخیص می دهند و بنابراین اشتیاق کمتری به سرمایه گذاری نشان خواهند داد.

^۱. Most and Star, (1993).

^۲. Van Dusky, (2005).

در مجموع، مخاطره، عامل کلیدی در محاسبات سرمایه‌گذاران به هنگام سرمایه‌گذاری است. اگر سرمایه‌گذاران، سودآوری بازده سرمایه‌گذاری خود را کم تشخیص بدهند، سرمایه‌گذاری را نیز بطور غیرقابل باوری مخاطره‌آمیز تشخیص خواهند داد. علاوه بر آن، اگر عدم ثبات نظام سیاسی یا اجرایی نبودن قوانین را تشخیص بدهند، ریسک سرمایه‌گذاری افزایش خواهد یافت. همچنین، سرمایه‌گذاران سطح دریافت مالیات را نیز به عنوان هزینه سرمایه‌گذاری در نظر خواهند گرفت.

در توانایی بازیگران اقتصادی، در فرآیند خصوصی‌سازی باید به نقش سرمایه‌گذاران داخلی، خارجی، کارگران و اتحادیه‌ها نیز توجه کرد.

چارچوب زیر ساخت سیاسی خصوصی‌سازی

«فیگن‌باوم، هاروی و جفری‌هینگ» در مقاله‌ای با عنوان «زیرساختهای سیاسی خصوصی‌سازی: نوعی نوع‌شناسی» به عوامل مهم موفقیت خصوصی‌سازی پرداخته‌اند.¹

دیک ولش و الیور، با استفاده از تجربه جهانی در امر خصوصی‌سازی، معیارهای موفقیت یک برنامه خصوصی‌سازی را به شرح زیر اعلام داشته‌اند:

۱. رویکرد صد در صد درست وجود ندارد؛ یک برنامه خصوصی‌سازی باید با شرایط کشور و بنگاه مورد نظر هماهنگ باشد. دسته‌بندی دقیق، برنامه زمان‌بندی و توالی مناسب، موفقیت را تضمین می‌کند. واقع بینی، انعطاف‌پذیری، و تمایل به استفاده از راه‌حلها و روشهای جدید باید مورد استفاده قرار گیرد؛
۲. حمایت شدید سیاسی و راهبردی مناسب؛ برای کاهش مقاومت و کاهلی حاصل از دستگاه اداری و منافع شخصی، برنامه خصوصی‌سازی باید از سوی بالاترین مقام‌های دولتی حمایت شود و تحقق اهداف برنامه باید وظیفه افراد عملگرای ذی نفوذ سیاسی و نیز کسانی باشد که به تخصص و مهارت فنی در سطح جهانی دسترسی دارند و نه کسانی که منافعشان در حفظ وضع موجود نهفته است؛

¹. Feigenbaum, Harvey and Jeffrey, Henig. "The Political Underpinning of privatization: A Typology", World Politics, No. 46, (Jan. 1994), pp. 185-2008.

۳. واگذاری درست و برنامه‌ریزی شده برای جلب سرمایه‌گذاران؛ سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی با ایجاد انگیزه‌های درست به خرید سهام علاقمند می‌شوند. برای این منظور دولت‌ها از تعیین قیمت‌های غیرواقعی پرهیز می‌کنند و ارزش‌گذاریها به جای اینکه بر اساس ارزش دفتری یا ارزش جایگزینی صورت گیرد، بر اساس ارزش بازار انجام می‌شود؛

۴. شفافیت، بی‌طرفی، و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد؛

۵. استفاده از مهارت و تخصص افراد خارجی؛

۶. اصلاحات ساختاری همگام با برنامه خصوصی‌سازی؛

۷. اصلاحات مختصر و دفاعی پیش از خصوصی‌سازی؛

۸. فراهم کردن موجبات سرمایه‌گذاری خارجی در برنامه خصوصی‌سازی؛

۹. خصوصی‌سازی بخش به بخش یا به شیوه فروش ترکیبی برای به حداکثر رساندن درآمد دولت؛

۱۰. به حداقل رساندن شروط مرتبط با اجرای برنامه خصوصی‌سازی؛

۱۱. عدم پایبندی دولت به یک برنامه زمان بندی تثبیت شده مصنوعی.

رویه‌های داخلی آنها نمی‌تواند از عهده تقاضاهای خصوصی‌سازی بر آید. تقاضاهای مربوط به اطلاعات، پاسخ داده نمی‌شود، اطلاعات فنی در مورد شرکتها و بخشها ناقص است، حسابها مطابق با استانداردهای بین‌المللی نیست، مخالفت کارکنان بخش دولتی با خصوصی‌سازی چه بسا اینرسی بورکراسی را تشدید کند.

خلاصه اینکه، دولت‌ها می‌توانند با تعهد سیاسی به فرآیند خصوصی‌سازی بر موانع موجود بر سر راه خصوصی‌سازی فائق آیند. هر قدر این تعهد از طرف دولت بیشتر باشد، راحت‌تر می‌شود بر مخالفتها، اینرسی، و عدم هماهنگی فائق آمد. این تعهد سیاسی به خصوصی‌سازی باید در طول فرآیند خصوصی‌سازی حفظ شود، در عین حال باید از مدیریت خرد در این زمینه خودداری کرد.

شفافیت و عادلانه بودن فرآیند خصوصی سازی

شفافیت در معاملات برای موفقیت برنامه خصوصی سازی بسیار مهم است. مردم باید بدانند آیا برنامه در حال اجرا، فرآیندی عادلانه و صادقانه است. عدم شفافیت می تواند منجر به سوء تفاهم شود- حتی اگر سوء تفاهم وجود نداشته باشد- و این به نفع گروه مخالف است که نه تنها فرآیند خصوصی سازی را تهدید می کند؛ بلکه اعتبار دولت را نیز خدشه دار می سازد.

شفافیت در چهار مرحله مورد نیاز است؛ نخست، قوانین و مقرراتی که این برنامه را حمایت می کنند، باید شفافیت و باز بودن در اجرای برنامه را الزامی کنند؛ دوم، انتخاب مشاورین باید عمومی، رقابتی، و بر اساس ملاک های از پیش تعیین شده و از پیش بیان شده باشد؛ سوم، معاملات باید در یک محیط رقابتی و مزایده ای آشکار و در معرض دید مردم باشد؛ چهارم، انتخاب ملاک های ساده و آشکار برای ارزیابی مزایده ها، و آشکار بودن خرید و فروشها، به منظور تشویق طیف وسیعتری از سرمایه گذاران داخلی و خارجی به امر سرمایه گذاری.

استراتژی خصوصی سازی

دولتهایی که در امر خصوصی سازی موفق بوده اند برای آماده کردن خود برای هر معامله و تعبیه بهترین استراتژی برای خصوصی سازی بسیار زحمت کشیده اند.

اولین گام اصلی در این فرآیند، تعیین اهداف خصوصی سازی بطور کلی و اهداف هر معامله بطور خاص می باشد.

در تعیین اهداف برنامه و معامله، دولتها باید توازن بین اهداف مختلف را مدنظر قرار دهند و با اتخاذ تصمیمات آگاهانه بین هدف افزایش عایدات خصوصی سازی و سایر اولویتهای نظیر بهبود رقابتی بودن بنگاهها و نظام اقتصادی بطور کل، و نیز تقویت رقابت و توسعه بازارهای سرمایه، تعادل ایجاد کنند.

دومین گام اصلی، پاسخ به این پرسش است که آیا شرکت یا بخش مورد نظر، نیاز به تجدید ساختار دارد؟ غالباً تجدید ساختار متضمن یک فرآیند زمانبر تبدیل سازمان دولتی به یک شرکت یا برچیدن یک انحصار دولتی است. تجدید ساختار همچنین می تواند متضمن

کاهش نیروی کار برای افزایش کارایی شرکت و ارتقای بهره‌وری نیروی کار باشد و همچنین چه بسا مشتمل بر تجدید ساختار مالی نیز بشود.

فرآیند خصوصی‌سازی، خط مشی هر نوع خصوصی‌سازی زیر ساختی (ساختار بازار، طرح تنظیمی و غیره)، استفاده از عواید، و نگرانیهای اجتماعی و کاری و چگونگی مورد توجه قرار دادن آنها را تهیه می‌نماید. در این صورت، دولت می‌تواند شیوه خصوصی‌سازی مناسب را معین کند.

انتخاب شیوه خصوصی‌سازی مناسب

شیوه‌های بسیاری برای خصوصی‌سازی یا مشارکت بخش خصوصی وجود دارد. انتخاب شیوه مناسب خصوصی‌سازی باید در سایه ویژگیهای بخش یا بنگاه دولتی که قرار است خصوصی شود، اهداف، خط‌مشی دولت و وضعیت بازار بین‌المللی انجام شود. انتخاب روش و استراتژی خصوصی‌سازی یکی از عوامل تعیین‌کننده اصلی موقعیت معامله است. متناسب با ویژگیهای بنگاه یا بخشی که قرار است خصوصی‌سازی شود، باید شیوه مناسب انتخاب و استراتژی لازم طراحی شود.

یک معامله مدیریت شده به طرز حرفه‌ای

زمانی که دولت شیوه‌ای را انتخاب کرد، خصوصی‌سازی وارد مرحله پایانی خود؛ یعنی مرحله معامله خواهد شد. این فرآیند با توجه به روش انتخابی، متفاوت خواهد بود و در واقع دو فرآیند مختلف وجود دارد که بستگی دارد به اینکه آیا شیوه خصوصی‌سازی نیازمند ورود به بازار مالی است یا به یک بازار محدودتر نیاز دارد، که در آن شرکت کنندگان در مزایده یا مناقصه طبق معیارهای فنی (شرکتهای با تجربه وسیع در این بخش، شاخصهای مالی و غیره) از قبل انتخاب شده باشند. هر فرآیند نیازمند آماده‌سازی دقیق و کار مشورتی گسترده و پرهزینه است. بهتر آن است که در این مرحله مقامات سیاسی موضع نظارتی را حفظ کرده و از مدیریت خرد اجتناب کنند.

در هر مرحله از این فرآیند، داشتن کارشناسان داخلی و اختصاصی که مبادرت به سرپرستی کار مشاوران خارجی می‌کنند (بانک های سرمایه‌گذاری، مأموران رسیدگی و غیره) توصیه می‌شود.

یافته های پژوهش و مدل پیشنهادی

۱. ابعاد و مؤلفه‌های خصوصی سازی کدامند؟

با عنایت به مرور بر ادبیات و پیشینه پژوهش و تجارب پژوهشگران و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS, Concept system, Stella, هشت بعد و ۱۹۰ مؤلفه استخراج شده و سپس برای تأیید مؤلفه‌های استخراجی، طی پرسشنامه‌ای نظرات متخصصان و صاحب‌نظران درباره مؤلفه‌های نهایی خصوصی سازی به شرح ذیل بدست آمد:

یافته های پژوهش

یافته های پرسش اول : ابعاد و مؤلفه‌های خصوصی سازی

الف) بعد اقتصادی

۱. هماهنگی بین زمان اجرای فرایند خصوصی سازی و شرایط اقتصادی؛
۲. در نظر گرفتن خصوصی سازی به عنوان بخشی از سیاست اقتصادی کشور؛
۳. تجدید ساختارهای اقتصادی؛
۴. ایجاد محیط کاملاً رقابتی و شفاف؛
۵. کاهش هزینه های معاملاتی و مبادلاتی؛
۶. ثبات اقتصادی؛
۷. جامعیت (در بر گرفتن تمامی بخشهای اقتصادی)؛
۸. تقویت و گسترش بازار سرمایه؛
۹. توجه به فعالیتهای مولد به منظور حصول خودکفایی و حضور مؤثر در بازارهای رقابتی؛

۱۰. تقویت و گسترش بازار سرمایه متشکل و نقل و انتقال صحیح و مستمر منابع مالی از طریق این بازار؛
۱۱. انحصارزدایی دولت در کسب درآمدها و تخصیص و توزیع آن در سطح کلان اقتصاد
۱۲. تسهیل مراحل سرمایه‌گذاری و صادرات؛
۱۳. آزادسازی اقتصادی؛
۱۴. توسعه و تقویت بازار بورس بهادار؛
۱۵. تضمین رشد اقتصادی برای تشویق مردم؛
۱۶. ایجاد و تقویت بازارهای فرابورسی؛
۱۷. کاهش نگاه درآمدزایی به خصوصی‌سازی؛
۱۸. تسهیل شرایط حضور سرمایه‌گذاران خارجی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری؛
۱۹. سیاستهای حمایت از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی؛
۲۰. جلوگیری از انحصار بخش خصوصی؛
۲۱. عدم سرمایه‌گذاری بیشتر دولت و شرکتهای دولتی در فعالیتهای تصدی به موازات خصوصی‌سازی؛
۲۲. ادامه تحویل کار توسط دولت به شرکتهای واگذار شده و عدم قطع ارجاع به آنها، بخصوص واگذاری شرکتهای پیمانکاری؛
۲۳. کاهش هزینه های دولت در طول برنامه خصوصی‌سازی؛
۲۴. کاهش نرخ تورم و مهار آن؛
۲۵. آزاد سازی نرخ ارز.

ب) ابعاد سیاسی

۱. تعهد سیاسی دولت و مدیران رده بالا؛
۲. ثبات سیاسی؛
۳. عزم ملی و اعتقاد راسخ سیاسی و اقتصادی؛
۴. استفاده از مشاوران سیاسی و اقتصادی قوی داخلی و خارجی؛

۵. نظارت مطلوب از سوی مراجع ذیربط مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
۶. عدم توقف برنامه خصوصی‌سازی به لحاظ اعتراضات کارگری و سایر تنش‌های گروه‌های ذینفع؛
۷. عدم توقف برنامه خصوصی‌سازی به تبع تغییر دولتها؛
۸. عدم مداخله مجدد و غیر مستقیم لایه‌هایی از دولت در خرید شرکتهای؛
۹. عدم لغو تصمیمات دولتهای قبلی؛
۱۰. عزم ملی یا مصادره کردن مجدد شرکتهای خصوصی شده؛
۱۱. حمایت سیاسی از خریداران خارجی احتمالی و عدم موضع‌گیری سیاسی خاص نسبت به یک خریدار خارجی بخصوص؛
۱۲. هماهنگی اعتقادات سیاسی مسئولان استانی و مسئولان عالی کشور در امر خصوصی‌سازی؛
۱۳. کاهش تدریجی نقش دولت در طول برنامه خصوصی‌سازی (کاهش انحصارات دولتی)؛
۱۴. انسجام و هماهنگی در بخش دولتی در روند خصوصی‌سازی.

ج) ابعاد قانونی و حقوقی

۱. برقراری مجدد نظام نظارت به منظور حمایت از مشتریان؛
۲. ایجاد نهادهای نظارت و کنترل بازار برای اطمینان از کیفیت خدمات و منصفانه بودن قیمت‌ها (ایجاد نهادهای انضباطی و تنظیمی)؛
۳. تعیین و اجرای چارچوب مشروح و مفصل کنترل قیمت؛
۴. تضمین سازوکارهای تنظیمی و قانونی قبل از سرمایه‌گذاری؛
۵. تنظیم نظام حمایت از محیط‌زیست؛
۶. تعیین حد مجاز مالکیت خارجی؛
۷. نظارت بر بازار برای حصول اطمینان از ارائه مناسب محصولات و خدمات؛
۸. نظارت مستمر بر بازار برای حصول اطمینان از جریان رقابت؛

۹. تسهیل در ورود بازیگران جدید؛
۱۰. تأمین حقوق مالکیت؛
۱۱. اصلاح قانون اساسی؛
۱۲. اصلاح قانون کار؛
۱۳. اصلاح بورس اوراق بهادار؛
۱۴. اصلاح قانون تجارت؛
۱۵. اصلاح قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری خارجی؛
۱۶. تدوین چارچوب قانونی منسجم با پشتوانه و ضمانت اجرایی لازم؛
۱۷. اصلاح نظام مالیاتی؛
۱۸. ثبات در قانونگذاری؛
۱۹. آزادسازی قیمت‌ها در بازارها قبل از مبادرت به خصوصی‌سازی بویژه در شبکه‌ها و خدمات عمومی دولت؛
۲۰. لغو بسیاری از انحصارات قبل از مبادرت به خصوصی‌سازی؛
۲۱. مراقبت در عدم تشکیل توافق‌های غیرقانونی و تشکیل انحصارات به تبع خرید چند شرکت توسط یک شرکت که موجب ایجاد انحصار شود؛
۲۲. مراقبت در عدم خرید و سپس انحلال یک شرکت توسط رقیب؛
۲۳. عدم تصویب قوانین مخالف خصوصی‌سازی؛
۲۴. ایجاد نهادهای واحد، متخصص و بی طرف در امر نظارت؛
۲۵. تأمین و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری داخلی؛
۲۶. تأمین و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری خارجی؛
۲۷. جذب سرمایه‌های ایرانی خارج از کشور؛
۲۸. نظام حقوقی جامع، مستقل و قوی برای حمایت از برنامه؛
۲۹. محترم شمردن حقوق مالکیت مردم؛
۳۰. استقرار یک نظام ارزیابی و کنترل سراسری؛
۳۱. حذف موانع گمرکی و سود بازرگانی؛

۳۲. آزاد سازی کسب و کار، تجارت، بانکداری، صادرات و واردات؛
۳۳. نظارت به شکل عامل اصلاح و تقویت بازار و حمایت از فعالیتهای اقتصادی سالم و نه تهدید و تضعیف آن.

د) ابعاد نهادی و سازمانی (تجدید ساختار)

۱. مقررات زدایی؛
۲. تدوین مقررات جدید ناظر بر بازار هدف؛
۳. شکل دهی نهادهای بازار هدف؛
۴. تدوین استراتژی‌های جدید با توجه به شرایط بازار؛
۵. بازسازی نظام مدیریت؛
۶. بازسازی فرایندهای عملیاتی؛
۷. بازسازی فرایندهای مالی؛
۸. بازسازی نظام حقوقی؛
۹. بازسازی فنی و تکنولوژیکی؛
۱۰. بازسازی ساختار نیروی انسانی؛
۱۱. تفکیک دستگاههای واگذارنده سهام و نهاد مجری خصوصی سازی؛
۱۲. تعریف نقشها و حوزه های دخالت افراد و دستگاههای مختلف در فرایند اجرا؛
۱۳. تقویت سازمانها و نهادهای غیردولتی؛
۱۴. توسعه زیرساختها برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی؛
۱۵. چارچوب نهادی قوی؛
۱۶. تجدید ساختار نهادهای درگیر؛
۱۷. ایجاد و توسعه نهادهای قانونی و مالی؛
۱۸. ایجاد ساختارهای شفاف و رویکرد تعریف شده در خصوصی سازی؛
۱۹. اصلاح ساختار شرکتها قبل از انجام عملیات واگذاری؛

۲۰. هماهنگی نهادهای مکمل خصوصی سازی همچون نظام بانکی، بیمه‌ای، گمرک، مالیاتی در توسعه بخش خصوصی خریدار شرکتها؛
۲۱. اتخاذ تصمیم برای نیروی مازاد شرکتها؛
۲۲. تصمیم گیری برای خاتمه برخی فعالیتها و یا انحلال خرید شرکتها به جای خصوصی سازی آنها؛
۲۳. توسعه بانکداری و نظام مالی؛
۲۴. خدمات بیمه ای قوی؛
۲۵. فراهم کردن امکان دسترسی سریع بخش خصوصی به منابع مالی؛
۲۶. هماهنگی بین نهادها و مسئولان ذیصلاح.

ه) ابعاد اجتماعی و فرهنگی

۱. مشارکت تمام گروههای ذینفع در فرایند خصوصی سازی؛
۲. ایجاد نظام انگیزشی مناسب؛
۳. جداسازی کارکردهای اقتصادی و اجتماعی از هم؛
۴. مشارکت گسترده مردم؛
۵. گسترش آگاهی عمومی از بازار سهام جهت تسهیل ورود بنگاههای عمومی و خصوصی به بازار برای عرضه سهام؛
۶. ایجاد تعهد در سهامداران؛
۷. جلب اعتماد و مشارکت فعال بخش خصوصی در امر واگذاریها؛
۸. تأمین خدمات رفاهی و امنیت اجتماعی؛
۹. شفاف سازی عملکرد خصوصی سازی از طریق انتشار اطلاعات؛
۱۰. جلب اعتماد بخش خصوصی به صحت و سلامت فرایند خصوصی سازی؛
۱۱. برقراری نظام تأمین اجتماعی گسترده؛
۱۲. طراحی نظام توزیع مجدد درآمد برای اقشار آسیب پذیر؛

۱۳. برقراری تسهیلات مالی لازم سهام مجانی و سهام جایزه وفاداری برای اقشار پایین و متوسط جامعه؛
۱۴. آموزش پایه‌ای جهت اصلاح رفتارهای اقتصادی؛
۱۵. ایجاد بانک اطلاعاتی قوی قبل از خصوصی‌سازی؛
۱۶. ایجاد اعتماد عمومی نسبت به بحث سرمایه و سرمایه‌گذار در کشور؛
۱۷. ایجاد نظام تأمین اجتماعی کارکنان بیکار شده ناشی از واگذاریها؛
۱۸. تغییر رضایت بخش در نظام حقوق و دستمزد برای ایجاد انگیزش؛
۱۹. اطلاع رسانی گسترده جهت جذب مردم و ایجاد انگیزه؛
۲۰. جلب حمایت سازمانهای کارگری و نیروی کار؛
۲۱. جلب حمایت مردم؛
۲۲. فرهنگ پذیرش ریسک.

(و) ابعاد مدیریتی و اجرایی

۱. بسترسازی و فراهم کردن زمینه‌های لازم (آماده‌سازی) نیازهای عمومی برنامه خصوصی‌سازی؛
۲. اصلاح روشها و الگوهای مدیریتی؛
۳. اتخاذ تصمیمهای درست در استفاده از درآمدهای حاصل از واگذاری؛
۴. مطالعه راههای موفقیت بنگاهها با استفاده از نهادهای واسطه و مشاوره ملی؛
۵. فراهم کردن زمینه مشارکت گسترده مردم؛
۶. آموزش و بازآموزی مدیران و دست‌اندرکاران؛
۷. آموزش مالکان، و سرمایه‌گذاران محلی؛
۸. تقویت نوآوری در تمام بخشهای کسب و کار؛
۹. مشورت شفاف با سرمایه‌گذاران؛
۱۰. سیاست شفاف برای شمول سرمایه‌گذاری در RAB؛
۱۱. تعیین نقشها و قدرت شرکت کنندگان در امر خصوصی‌سازی؛

۱۲. تدوین نظام جدید مدیریت و نظارت بر امر واگذاری و انتقال؛
۱۳. ظرفیت‌سازی؛
۱۴. تدوین نظام حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده؛
۱۵. ایجاد تور حمایتی؛
۱۶. تمرکززدایی مدیریت و تصمیم‌گیری؛
۱۷. تعیین اهداف روشن و استراتژی‌های مشخص؛
۱۸. احراز سلامت در نهادهای مجری برای سرمایه‌گذاران؛
۱۹. تعامل با سرمایه‌گذاران؛
۲۰. قیمتگذاری منصفانه به جای قیمتگذاری و واگذاری به بالاترین ارزش؛
۲۱. حفظ اسرار درونی شرکتها برای عدم اطلاع رقبا در واگذاریها؛
۲۲. تعیین کادر اجرایی قوی و تشکیلات منسجم و یکپارچه خصوصی‌سازی و ثبات در آن؛
۲۳. هماهنگی مدیران شرکتهای اعلام شده جهت خصوصی‌سازی با اهداف و سیاستهای خصوصی‌سازی؛
۲۴. واگذار کردن حق نهایی تصمیم‌گیری، کنترل سرمایه و کنترل به بخش خصوصی.

ز) ابعاد جهانی و بین‌المللی (جذب سرمایه‌گذاران خارجی)

۱. درجه‌بندی ایران از نظر سرمایه‌گذاری در مجامع بین‌المللی (باز بودن اقتصاد کشور)؛
۲. میزان ریسک اقتصادی از نظر سرمایه‌گذاران خارجی؛
۳. ثبات اقتصادی؛
۴. ثبات سیاسی و امنیتی.

ح) ابعاد مجازی

۱. تعیین گستره بازار^۱؛
۲. تعیین روش واگذاری^۲؛
۳. قیمتگذاری دقیق و شفاف جهت جذب بیشتر سرمایه‌گذاران؛
۴. زمان بندی مناسب واگذاری؛
۵. طبقه بندی شرکتهای دولتی و اولویت بندی دقیق و منطقی جهت واگذاری^۳؛
۶. تعیین استانداردها و قیمتگذاری محصولات برای جلوگیری از سوء استفاده؛
۷. شفافیت اطلاعات مربوط به فرآیند واگذاری؛
۸. امکان‌سنجی اجرای خصوصی‌سازی به صورت مطالعه موردی برای هر زمینه فعالیت؛
۹. اجرای خصوصی‌سازی به صورت مرحله به مرحله؛
۱۰. بازاریابی جهت واگذاری؛
۱۱. استفاده از سیاستهای تشویقی برای خریداران؛
۱۲. واگذاری به سرمایه‌گذاران استراتژیک؛
۱۳. افزایش سهم کارگران و کارکنان شرکتهای از واگذاری، به منظور تشویق و ترغیب آنان در ارتقای کارایی؛
۱۴. جلوگیری از شکل‌گیری مقاومت در برابر خصوصی‌سازی؛
۱۵. در نظر گرفتن تسهیلات خاص برای کارآفرینان؛
۱۶. بهینه نمودن نحوه هزینه کردن درآمدهای حاصل از خصوصی‌سازی؛
۱۷. اعلام برنامه‌ها از قبل به عموم و ثبات در برنامه‌های مصوب؛

^۱. ملی، منطقه ای و بین‌المللی

^۲. عرضه عمومی سهام، مزایده، مذاکره، تلفیقی

^۳. اولویت‌بندی جهت واگذاری باتوجه به اندازه بنگاه، نوع فناوری مورد استفاده، سلامت ساختار مالی، حساسیت مصرف‌کننده و ماهیت روابط صنعتی بازار صورت می‌گیرد.

۱۸. اعلام ضوابط نظارت و برنامه هایی که توسط نهادهای تنظیم مقررات وضع خواهد شد؛
۱۹. تعیین معیارهای واقع بینانه برای انتقال شرکتهای مختلف به بخش خصوصی و اجرای آنها جهت شفافیت در خصوصی سازی؛
۲۰. تطابق قیمتگذاری با علاقه و خواست عمومی کشور؛
۲۱. عادلانه بودن قیمتگذاری شرکتهای انتقال یافته در عمل؛
۲۲. تطابق قیمتگذاری با مبانی و اصول علمی علم اقتصاد.

ط) ابعاد روشی خصوصی سازی

۱. فروش بنگاههای دولتی به سرمایه گذاران خصوصی؛
۲. خصوصی سازی گسترده (کوپنی)؛
۳. خصوصی سازی درونی معروف به خرید سهام توسط مدیران و کارکنان؛
۴. استرداد فرایند برگرداندن حقوق مالکیت شرکت به مالک اصلی؛
۵. بورس؛
۶. مزایده بنگاههای قابل واگذاری؛
۷. مذاکره؛
۸. واگذاری مدیریت: اجاره، پیمانکاری عمومی، پیمان مدیریت؛
۹. واگذاری مالکیت: اجاره به شرط تملیک، فروش سهام (بورس، مزایده، مذاکره،...)
- واگذاری املاک و داراییها؛
۱۰. واگذاری حقوق بهره برداری؛
۱۱. تجزیه شرکتهای به چند شرکت کوچکتر و سودآورتر؛
۱۲. انحلال شرکتهای به عوض فروش آنها؛
۱۳. ادغام دو یا چند شرکت و زنجیره فعالیت در یکدیگر و ایجاد یک شرکت مناسب برای سرمایه گذاران؛
۱۴. مدل یا برنامه های مشارکت سود؛

۱۵. واگذاریهای غیرپولی در چارچوب اخذ تعهد خریداران؛
۱۶. فروش به شرکتهای تأمین سرمایه (بانکهای سرمایه‌گذاری) در مواردی که شرکتهای مورد علاقه سرمایه‌گذاران نباشند؛
۱۷. ایجاد شرکتهای نسل دوم و چندم و واگذاری شرکت اصلی برای حفظ زنجیره تولید و بازار.

یافته های پرسش دوم:

| نام ابعاد | ضریب اهمیت | امتیازمدل | امتیازوضع موجود |
|-----------------------|------------|-----------|-----------------|
| ۱. جهانی و بین المللی | ۱۱/۳۷ | ۵۰ | ۱۲ |
| ۲. سیاسی | ۱۰/۲۵ | ۱۴۰ | ۵۳ |
| ۳. قانونی و حقوقی | ۱۰/۱۶ | ۳۳۰ | ۱۰۵ |
| ۴. نهادی و سازمانی | ۱۰/۱۵ | ۲۶۰ | ۷۲ |
| ۵. برنامه واگذاری | ۱۰/۰۹ | ۲۲۰ | ۷۲ |
| ۶. اقتصادی | ۱۰/۰۴ | ۲۵۰ | ۷۶ |
| ۷. مدیریتی و اجرایی | ۹/۹ | ۲۴۰ | ۶۹ |
| ۸. اجتماعی و فرهنگی | ۹/۸۳ | ۲۲۰ | ۵۹ |
| ۹. مجازی | ۹/۷ | ۲۰ | ۴ |
| ۱۰. روشهای خصوصی سازی | ۸/۵۱ | ۱۷۰ | ۵۴ |
| جمع | | ۱۹۰۰ | ۵۷۶ |

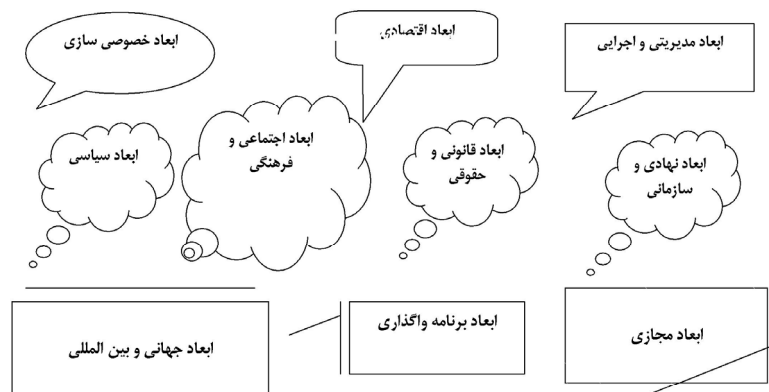
همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد خصوصی سازی در کشور ما از نظر ابعاد و مؤلفه‌های مدل خصوصی سازی از مجموع ۱۹۰۰ امتیاز تنها ۵۷۶ امتیاز کسب نموده است که بیانگر فاصله عملکردی ۷۰ درصدی در ابعاد و مؤلفه‌ها است. عمده ترین ضعفهای نظام خصوصی سازی کشور به ترتیب بیشترین شکاف عملکردی عبارتند از:

۱. ابعاد مجازی
۲. ابعاد جهانی و بین المللی
۳. ابعاد اجتماعی و فرهنگی
۴. ابعاد نهادی و سازمانی
۵. ابعاد مدیریتی و اجرایی
۶. ابعاد اقتصادی

۷. روشهای خصوصی سازی
۸. ابعاد قانونی و حقوقی
۹. برنامه واگذاری
۱۰. ابعاد سیاسی

یافته‌های پرسش سوم: مدل پیشنهادی

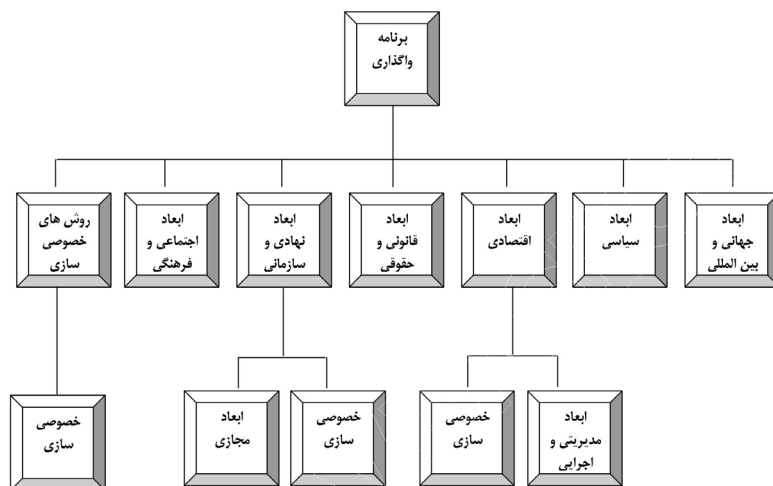
جهت تدوین مدل، نتایج حاصل از اجرای پرسشنامه نظرسنجی خبرگان درباره مؤلفه‌ها از طریق روش انگاره‌نگاری و (نرم افزار سیستم انگاره‌نگاری) مورد تجزیه و تحلیل چند متغیره و چند بعدی قرار گرفت و ابعاد و مؤلفه‌های نهایی به شرح شکل زیر تعیین شد.



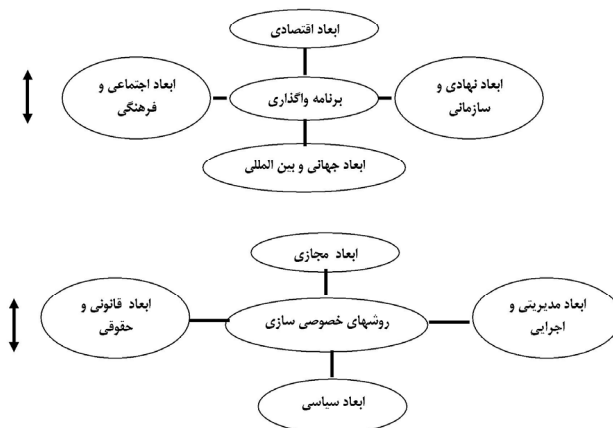
شکل ۱. انگاره خوشه‌ای نامدار برای طراحی مدل خصوصی سازی کشور

Final Stress Value : 0.21789322

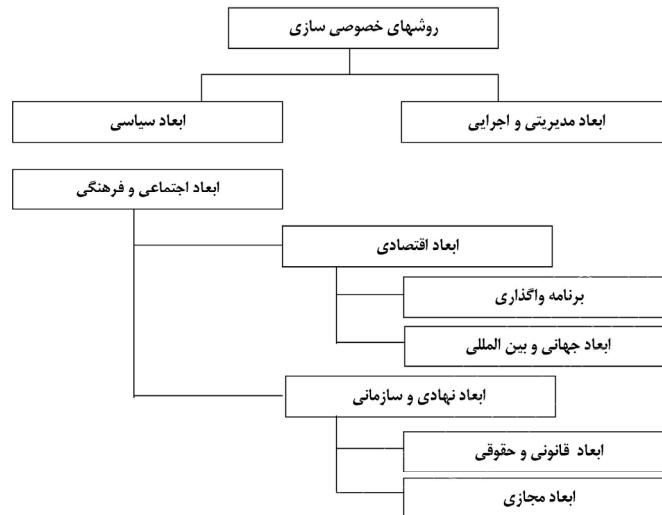
از طریق تکنیک مدل سازی پویا و بر اساس نتایج انگاره‌نگاری در سطح اطمینان ۹۵٪ مدل مفهومی خصوصی سازی در کشور طراحی شد.



شکل ۲



شکل ۳



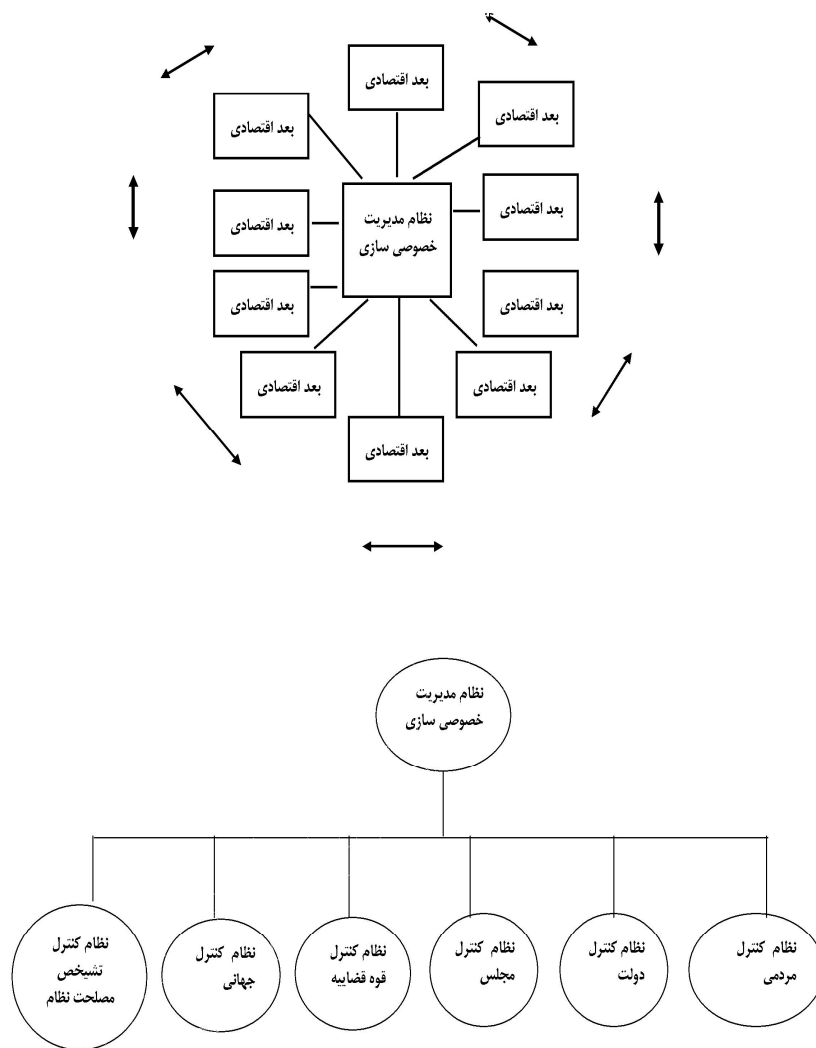
شکل ۴

همانطور که شکل‌های بالا نشان می‌دهد مدل خصوصی‌سازی در کشور دارای سه بخش است؛ شکل (۲)، مدل اصلی تحقیق است و شکل‌های (۳) و (۴) بیانگر روند اجرایی مدل هستند. مدل اصلی تحقیق نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی در کشور در قالب برنامه واگذاری و روش‌های خصوصی‌سازی انجام‌پذیر است. بدین منظور باید شناخت کاملی نسبت به ابعاد جهانی و بین‌المللی، ابعاد سیاسی و اقتصادی کشور، ابعاد اجتماعی و فرهنگی، ابعاد قانونی و حقوقی و ابعاد نهادی و سازمانی بدست آورد و سپس نسبت به تقویت ابعاد مدیریتی و اجرایی خصوصی‌سازی و ابعاد مجازی اقدام نمود.

همانطور که مدل فوق نشان می‌دهد برنامه واگذاری، تحت تأثیر ابعاد نهادی و سازمانی، ابعاد اقتصادی، ابعاد اجتماعی و فرهنگی و ابعاد جهانی و بین‌المللی بوده و روش‌های خصوصی‌سازی نیز متأثر از ابعاد مدیریتی و اجرایی، ابعاد سیاسی، ابعاد قانونی و حقوقی و ابعاد مجازی می‌باشد.

| امتیاز | ضریب اهمیت | نام ابعاد |
|--------|------------|-----------------------|
| ۵۰ | ۱۱/۳۷ | ۱. جهانی و بین المللی |
| ۱۴۰ | ۱۰/۲۵ | ۲. سیاسی |
| ۳۳۰ | ۱۰/۱۶ | ۳. قانونی و حقوقی |
| ۲۶۰ | ۱۰/۱۵ | ۴. نهادی و سازمانی |
| ۲۲۰ | ۱۰/۰۹ | ۵. برنامه واگذاری |
| ۲۵۰ | ۱۰/۰۴ | ۶. اقتصادی |
| ۲۴۰ | ۹/۹ | ۷. مدیریتی و اجرایی |
| ۲۲۰ | ۹/۸۳ | ۸. اجتماعی و فرهنگی |
| ۲۰ | ۹/۷ | ۹. مجازی |
| ۱۷۰ | ۸/۵۱ | ۱۰. روشهای خصوصی سازی |
| ۱۹۰۰ | | جمع |

همانطور که جدول فوق نشان می دهد سقف امتیازی مدل ۱۹۰۰ امتیاز است. وضع موجود خصوصی سازی در کشور را با این مدل می توان مورد سنجش، ارزیابی و مقایسه قرارداد؛ بدین منظور ابتدا بایست پرسشنامه مدل را توزیع نموده و به ازای هر مؤلفه در طیف ۱ تا ۱۰ امتیازدهی کرد.



مدل ارتقای سیستم مدیریت خصوصی سازی
(افزایش بهره‌وری و کارآفرینی با تأکید بر عدالت اجتماعی)

فلسفه و اهداف مدل پیشنهادی

۱. انتقال وضعیت از اقتصاد دولتی به اقتصاد رقابتی مبتنی بر سازوکار بازار؛
۲. پذیرش پارادایم بازار به عنوان مبنای کارکرد نظام اقتصادی؛
۳. محوریت اصالت مالکیت بخش خصوصی و حفظ حریم آن؛
۴. تحول در مناسبات حقوقی جامعه؛
۵. تغییر مالکیت و تغییر ذینفعان (تغییر از مالکیت و مدیریت دولتی به مالکیت و مدیریت مردمی و ایجاد توازن بین آنها)؛
۶. شراکت همه گروههای مؤثر اجتماعی؛
۷. بهبود اداره واحدهای تولیدی؛
۸. ایجاد نظام انگیزشی مناسب؛
۹. واگذاری در زیرساختهایی از قبیل مخابرات، آموزش، بهداشت، برق و ...؛
۱۰. افزایش کارایی تولید و افزایش بهره‌وری نهاده‌های تولید؛
۱۱. افزایش نقش بخش خصوصی در اقتصاد و کاستن از بار مدیریتی و بودجه‌ای دولت در ارتباط با شرکتها و بنگاههای دولتی؛
۱۲. کاهش زیاندهی بنگاهها و مؤسسات دولتی از طریق بهبود مدیریت ناشی از خصوصی‌سازی و ایجاد انگیزش برای سودآوری آنها؛
۱۳. آزادسازی قیمتها و کاهش اختلال ناشی از آن در اقتصاد؛
۱۴. کاهش کسری بودجه دولت ناشی از یارانه‌ها و کمکهای دولت به بنگاههای دولتی؛
۱۵. کاهش فشار بر سیستم بانکی برای تأمین منابع مالی ارزان قیمت برای بنگاههای دولتی و بدین طریق رونق و کارآمدنمودن بازارهای سرمایه و مالی.

مبانی نظری مدل

۱. چارچوب یک برنامه موفق خصوصی‌سازی (دیک ولش و الیویر فرموند)؛
۲. زیرساختهای سیاسی خصوصی‌سازی، (فیگن باوم، هاروی و جفری هنیگ (۱۹۹۴))؛
۳. مدل تعیین موفقیت خصوصی‌سازی (استیگلیتز ۱۹۹۸)؛

۴. چارچوب مدیریت خصوصی سازی (شهادی ۲۰۰۲).

مراحل اجرایی، ارزشیابی و مهندسی مجدد مدل

۱. ارائه مدل به سازمان خصوصی سازی کشور؛
۲. تشکیل گروه های کاری و برنامه ریزی و اجرا؛
۳. تدوین برنامه عملیاتی برای پر کردن شکاف وضع موجود و مطلوب؛
۴. اجرای برنامه بر اساس ابعاد و مؤلفه های مدل؛
۵. ارزشیابی مستمر و تکوینی و تجدید نظر با توجه به بازخورد.

پرسش چهارم: میزان تناسب مدل پیشنهادی از دیدگاه صاحب نظران

برای ارزیابی برازش کل مدل، از مؤلفه های کای دو (X^2) و ریشه میانگین مجذور مانده ها (RMSR) و ضریب تبیین پدیده (PD) استفاده شد. در مورد مدل خصوصی سازی در کشور مقدار X^2 برابر ۰/۰۰۲۶۴ است و با توجه به مقدار P-value و PD، آنکه نزدیک ۰/۹۲۳۴ می باشد، مدل مذکور مورد تأیید قرار می گیرد. مقدار RMSR این مدل نیز به صفر (۰/۰۰) است که مطلوب بودن مدل خصوصی سازی کشور را نشان می دهد. به علاوه، پس از تدوین مدل پیشنهادی از طریق پرسشنامه، تناسب مدل از دیدگاه خبرگان مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج نشان داد که فلسفه و اهداف مدل با میانگین ۴/۲۱، مبانی نظری با میانگین ۳/۹۵، چارچوب ادراکی ۴/۲۵، مراحل اجرایی، ارزشیابی و مهندسی مجدد با میانگین ۳/۶۴، و کل مدل ۴/۱۲ از ۵ مورد تأیید قرار گرفت.

نتیجه گیری

۱. مدل خصوصی سازی برای کشور که مشتمل بر ده بعد (۱. بعد جهانی و بین المللی
۲. بعد سیاسی ۳. بعد قانونی و حقوقی ۴. بعد نهادی و سازمانی ۵. بعد برنامه ای
- وگذاری ۶. بعد اقتصادی ۷. بعد مدیریتی و اجرایی ۸. بعد اجتماعی و فرهنگی

۹. بعد مجازی ۱۰. بعد روش خصوصی سازی) و ۱۹۰ مؤلفه می باشد، استخراج و ارائه شد.

۲. درجه تناسب مدل پیشنهادی برای خصوصی سازی کشور از نظر صاحب نظران و متخصصان با استفاده از تکنیک مدل سازی پویا و سیستم انگاره نگاری به شرح ذیل استخراج گردید.

$$X^2 = ۰/۰۰۲۶۴ \text{ مجذور کاری}$$

$$PD = ۰/۹۲۳۴ \text{ ضریب تبیین پدیده ها}$$

$$RMSR = ۰/۰۰ \text{ ریشه میانگین مجذور مانده ها نشان دهنده مطلوب بودن مدل}$$

تناسب کل مدل ۴/۱۲ از ۵ می باشد.

۳. ابعاد جهانی و بین المللی خصوصی سازی بالاترین امتیاز را با ضریب اهمیت ۱۱/۳۷ و ابعاد روشی خصوصی سازی با کمترین ضریب اهمیت ۸/۵۱ در امر خصوصی سازی کسب نموده است. لذا توجه به این دو بعد از اهمیت کلیدی برخوردار است.

۴. نظام فعلی خصوصی سازی کشور از مجموع ۱۹۰۰ امتیاز (حد مطلوب و مطلق) صرفاً ۵۷۶ امتیاز کسب نموده که حاکی از نامطلوب بودن وضع موجود است. لذا با توجه به اصلاح و ارتقای نظام خصوصی سازی در کشور باید به ابعاد و مؤلفه های کلیدی آن نیز توجه ویژه داشت.

پی‌نوشتها:

۱. حقیقی، محمدعلی. «بررسی و طراحی الگوی ساختاری مناسب جهت خصوصی‌سازی در بخش دولتی (سازمان بنادر و کشتیرانی)». رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۷۵).
۲. حیدری، غلامرضا. «مدل خصوصی‌سازی در ایران». رساله دکتری مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۸۰).
۳. جاشی، گوپال. *خصوصی‌سازی در جنوب آسیا*، ترجمه معاونت مطالعات و ارزیابی سازمان خصوصی‌سازی، تهران: سازمان خصوصی‌سازی، ۱۳۸۵.
۴. صدرائی جواهری، احمد. «خصوصی‌سازی در ایران (با تأکید به بخش نفت)». *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران، (۱۳۷۸).
۵. عربی، خسرو. «بررسی اثر نوع صنعت بر عملکرد پس از واگذاری شرکت‌های تولیدی دولتی در بورس تهران». رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۷۶).
۶. کمیجانی، اکبر. *ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی در ایران*، تهران: معاونت امور اقتصادی و دارایی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۲.
۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. *فصلی فشرده درباره کارکرد خصوصی‌سازی در ایران*، تیرماه ۱۳۷۶.
۸. معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصادی و دارایی. *تفکیک فعالیت‌های اقتصادی بین بخش‌های دولتی و خصوصی*، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴.
۹. معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی. *کاهش فعالیت‌های اقتصادی دولت (مطالعه موردی)*، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴.
۱۰. وایزشکر، ارنست اولریش فن، یونگ، اوران آر. و فینگر، ماتیاس. *محدودیت‌های خصوصی‌سازی*، ترجمه محمد صفار. تهران: نشر رسانش، ۱۳۸۶.
۱۱. واعظی، محمد صادق. «تأثیر ورود شرکت‌های دولتی به بورس بر عملکرد آنها». *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران، (۱۳۸۴).
12. Bassley, Michael and Littlechild, Stephan. "Privatization: Problems, Principles and Priorities"., *Lloyds Bank Review*, (1983).
13. Begovic, Boris, Mijatovic, Bosko and Zivkovic, Boso. *The New Model of Privatization in Serbia*. Belgrad: Center for Liberal Democratic Studies., 2000.
14. Castater, Nichole M. *Privatization as a Means to Societal Transformation: An Empirical Study of privatization in Central and Eastern Europe and the Former Soviet Union*. University of South Carolina., 2002.
15. Feigenbaum, Harvey and Jeffrey, Henig. "The Political Underpinnings of Privatization: A Typology"., *World Politics*, No.46, (Jan. 1994): 185-208.
16. Filipovic, Adnan. "Impact of Privatization on Economic Growth"., *Issues in Political Economy*, Vol. 14, (August 2005).

17. Forrer, John, et al. "Privatization and Organizational Change: Lessons from Cross-National Research"., The George Washington Center for the Study of Globalization, (2004).
18. Iimi, Atsushi. "Rethinking Privatization and Economic Development: A Sampling of Evidence"., *Development Policy Research Division*, Japan Bank for International Cooperation (JBIC) Institute, (2003).
19. Petrov, konstantin. "Emerging Europe Energy Summit"., Vienna, Nov. 2005.
20. Poole, Robert W. *Privatization for Economic Development*, The Privatization Process. Ed. Terry L. Anderson and Peter J. Hill. United States of America: Rowman & Littlefield Publishers, Inc., 1996.
21. Ramamurti, Ravi. "A Dynamic Multilevel Model"., *Academy of Management Review*, (2000).
22. Ramamurti, Ravi. "Privatization In Emerging Economies: A Multilevel Model OF Privatization In Emerging Economies"., *Academy of Management Review*, (2001).
23. Schmdede, Ibolya. "Theory of Privatization in Eastern Europe"., *Literature Review*, Fondazione Eni Enrico Mattei, (2003).
24. Shehadi, Kamal S. Lessons in Privatization: Considerations for Arab States. United Nation Development Programme, (January 2002).
25. Sheshinski, Eytan and López-Calva, Luis F. "Privatization and Its Benefits: Theory and Evidence"., *CESifo Economic Studies*, Vol. 49, (2003): 429–459.
26. Starr, Paul. "The Meaning of Privatization"., *Yale Law and Policy Review*, No. 6, (1988): 6-41.
27. Stirbock, Claudia. *Success of Privatization in CEE Countries*. The New Capital Markets in Central and Eastern Europe. Berlin: Springer., 2001.
28. Swann, Dennis. "The Retreat of the State, Deregulation and Privatization in the UK and US"., *Harvester Wheat Sheaf*, (1988).
29. VanDusky, Julie Ann. *Competing Theories? Re-thinking the Use of Proxy Variables in the Privatization Literature*. State University of New York, Binghamton University Political Science Department., 2005.
30. World Bank. *World Development Indicators*. Washington, D.C.: The World Bank, 2003.
31. World Bank. *World Development Indicators 2005*. New York: Oxford University Press., 2004.
32. World Bank. *The First Ten Years: Analysis and Lessons for Eastern Europe and the Former Soviet Union*. Washington, D.C.: The World Bank, 2002.